

پدیده انتخابات را سرنبریم



مهرداد جلیلزاده خبرنگار گروه فرهنگ

سال ۱۴۰۳، پنجمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری ایران است که در حاشیه آن بین نامزدها مناظرات تلویزیونی برگزار می‌شود. در چهار دوره قبلی این مناظرات نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری فضا و نهایتاً

است که در خود نکات مثبت فراوانی دارد و اگر همین میزگردها نبود، شاید بتوان گفت بخش قابل توجهی از فضای اجتماعی انتخابات منجمد می‌شد. در ادامه، ضمن یک بررسی اجمالی از نقش تلویزیون در این دوره از انتخابات که در مناظرات و میزگردها دو نقطه اصلی برای تجلی داشت، نکاتی هم درباره آنچه که باید در برخورد با این میزگردها مد نظر قرار بگیرند، طرح شده‌اند.

بود که نتوانستند هم به فضا شور و حرارتی تزریق کنند و هم مباحثی در آنها طرح شد که برای مردم اهمیت داشت. دقیقاً مشخص نیست که مدیران صداوسیما با پیش‌بینی فضایی که این میزگردها ممکن است پدید بیاورند، آنها را طراحی و اجرا کرده‌اند یا برای این میزگردها هم مثل مناظرات چشم‌اندازی بی حاشیه در نظر گرفته شده بود اما در عمل همه چیز فرق کرد. به هر حال آنچه که روی آنتن می‌بینیم، پدیده‌ای

چگونه مناظره‌ها از چشم افتاد

از سال ۱۳۸۸ به این سو ایدز مناظرات انتخابات ریاست جمهوری که سابقه‌ای نسبتاً طولانی در دنیا داشت، در ایران هم پیاده شد؛ شیوه‌ای از فرآیند تبلیغات انتخاباتی که برای ایرانی‌ها ناگهان در اوج حرارت پدیدار شد و حتی بسیاری از تحلیلگران، بخش قابل توجهی از تنش‌های بعدی جامعه را نتیجه همان مناظرات می‌دانستند. در سال ۱۳۹۲ هم مناظرات انتخاباتی برگزار شد اما آن دولت دو به دو دیگر برقرار نبود. شیوه برگزاری مناظرات در آن دوره به شکلی بود که گاهی می‌شد آن را به مسابقات سرگرمی تلویزیون تشبیه کرد و این قضیه در مقطعی از مناظرات باعث اعتراض خود نامزدها هم شد. با این حال همان مناظرات هم بالاخره توانست از فضای سبک و کمیک‌ی که تلویزیون لایب با انگیزه پرهیز از تنش‌های بعدی سعی کرده بود برایش بنماید خارج شود و رنگ و بوی مردان جدی سیاست که در آن صحنه حاضر بودند را به خود بگیرد. این مناظرات هم تأثیر قابل توجهی در تصمیم‌گیری نهایی رای دهندگان داشت. در سال

۱۳۹۶ باز هم مناظرات دو به دو برگزار نشد اما تقریباً می‌شد گفت نامزدها به دو دسته تقسیم شده بودند و در قامت دو تیم سیاسی مختلف روبه‌روی هم قرار گرفتند. این دوره از مناظرات هم تأثیرگذاری محسوسی روی رأی مردم داشت. در سال ۱۴۰۰ تغییر خاصی در کلیت سبک و شیوه برگزاری مناظرات دیده نشد؛ هرچند آرایش سیاسی نیروهای حاضر در صحنه مقداری با دوره‌های قبل تفاوت داشت و فرم مناظرات هم از آن تأثیر گرفت. در هر حال مناظرات سال ۱۴۰۰ هم در حافظه تاریخی ایرانیان باقی ماند و تأثیر خودش را گذاشت. در ۱۴۰۳ اما مناظرات انتخابات ریاست جمهوری فاصله محسوسی با تمام دوره‌های قبل از خودش پیدا کرد و رخوت از سر و روی آن می‌بارید. این دوره از انتخابات ریاست جمهوری ناهنگام برگزار می‌شد و بعد از عزل بنی‌صدر و از دست رفتن شهیدان بجایی و باهنر، لاقفل چهار دهه بود که مردم ایران تجربه یک انتخابات ناهنگام را نداشتند. در

شرایطی که انتخابات ریاست جمهوری باید در چنین فضای ضیق و فشرده‌ای برگزار می‌شد، برنامه‌های انتخاباتی نامزدها خصوصاً در تلویزیون اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کرد؛ چراکه مردم فرصت چندانی برای ارزیابی تک‌تک افراد و تصمیم‌گیری نهایی نداشتند. به‌رغم وجود این مسائل، مناظرات انتخابات ریاست جمهوری به هیچ‌وجه چنانکه همه توقعش را داشتند برگزار نشد. موضوعات بسیار فنی بودند و مباحث طرح‌شده در گفت‌وگوها داشت بیشتر از چهار ساعت جلوی تلویزیون‌هایشان پای چنین صحبت‌هایی بنشینند که عمده آنها کلیاتی درباره بایستگی‌های نوع حکمرانی بود. صحبت‌هایی که نه ضمانت اجرایی شعارهای زیبا را برای مخاطبان مشخص می‌کرد، نه حتی می‌شد بین دیدگاه نامزدهای مختلف تفاوت‌های اصلی و بنیادین را فهمید. یکی از بهترین نمونه‌ها برای درک این مطلب توجه به طرح شدن بحث برنامه

هفتم توسعه است که به جز یک نامزد، باقی ۵ نفر دیگر همگی روی اجرای آن تأکید داشتند. در چنین شرایطی مخاطبان فرق نامزدها با همدیگر را نمی‌توانستند از صحبت‌هایی که در مناظرات بیان می‌شد بفهمند و برای تمایز قائل شدن بین افراد، چاره‌ای نبود جز اینکه یا به کارنامه قبلی آنها در مناصب دیگر ارجاع داده شود؛ یا به گروه و دسته و جناح سیاسی بخصوصی که از هر نامزد حمایت می‌کرد. این یعنی خود مناظرات چیز جدیدی به شناخت مردم اضافه نکرد و کمک ویژه‌ای برای تصمیم‌گیری آنها فراهم نشد. در عوض امسال میزگردهای تخصصی انتخابات که با حضور جداگانه نامزدها در برابر سه کارشناس ثابت هر حوزه برگزار می‌شد، توانست مؤثر واقع شود. هر نامزدی همراه خودش دو کارشناس را می‌آورد که بخشی از زمان گفت‌وگو به آنها اختصاص پیدا می‌کرد و یک مباحثه «سه در برابر سه» شکل می‌گرفت که مجری تلویزیون نقش تقسیم زمان سخن گفتن افراد را در این میان برعهده داشت.



پدیده انتخابات و تلویزیون

می‌توان میزگردهای تخصصی را پدیده انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری در حوزه تبلیغات تلویزیونی دانست. اینکه هر نامزدی چه کارشناس‌هایی را با خودش در هر حوزه به خصوصی به استودیوی تلویزیون می‌آورد، نشان می‌داد که انتخاب‌های او و جهت‌گیری‌هایش چه هستند و حتی تا حدودی معلوم می‌کرد که در صورت انتخاب شدن هر فرد، برای اجرای وعده‌هایی که می‌دهد، چه کسانی همراهی‌اش می‌کنند. حتی اینکه چه کسانی حاضر هستند برای همراهی هر نامزد به استودیوی تلویزیون بیایند، عنصری تعیین‌کننده برای شناخت فضایی است که امکان دارد در صورت روی کار آمدن آن نامزد پدید بیاید. گذشته از این نکات که نشانه‌شناسی‌های شکلی برای برداشت‌های محتوایی هستند، خود محتوای این میزگردها هم بیشتر به مناظرات انتخابات ریاست جمهوری شبیه است تا آنچه که به عنوان مناظره و با حضور هر شش کاندیدا تهیه می‌شود. این میزگردهای تخصصی در سه حوزه برگزار شد؛ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. کارشناسان میزگردهای فرهنگی همگی سوابق مدیریتی هم داشتند.

حسین انتظامی قائم‌مقام وزیر ارشاد در دوره حسن روحانی و همچنین معاون مطبوعاتی و رئیس سازمان سینمایی در آن دولت بود. همچنین او سخننگویی شورای عالی امنیت ملی را هم در زمان دبیری علی لاریجانی برعهده داشت. شهاب اسفندیاری که رئیس دانشکده صداوسیماست و الهام یآوری که مدیر سابق بنیاد ملی نخبگان و رئیس سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان است، دیگر کارشناسان میز فرهنگی بودند. در میزگردهای سیاسی تمامی افرادی که حضور داشتند، اساتید دانشگاه بودند. سیدمحمدکاظم سجادپور استاد تمام روابط بین‌الملل، ابراهیم متقی استاد تمام علوم سیاسی و فواد ایزدی استاد مطالعات آمریکا جمع سه نفره این کارشناسان را تشکیل می‌دادند. میزگرد اقتصادی اما ترکیبی بود از مسئولان اقتصادی کشور و کسانی که فعالیت دانشگاهی یا تجاری مستقل داشته‌اند. یحیی آل‌اسحاق، رئیس سابق اتاق بازرگانی تهران، حسین حسین‌زاده بحرینی، عضو هیات علمی دانشگاه و داوود دانش‌جعفری، وزیر اسبق اقتصاد، نماینده دو دوره مجلس، رئیس اسبق بنیاد مسکن و از اعضای

مجمع تشخیص مصلحت نظام، کارشناسان این میزگرد بودند. از میان این ۹ کارشناس، سه نفرشان به دلیل سوگیری‌های سیاسی مشخص بیشتر به چشم آمدند که عبارتند از حسین انتظامی و شهاب‌الدین اسفندیاری که هر دو در میزگرد فرهنگی حضور داشتند و فواد ایزدی که در میزگرد سیاسی حاضر بود. البته در میان کارشناسان دیگر هم می‌شد این سوگیری‌ها را دید اما آنها معمولاً چنین مواردی را در لاف‌ها یا به زبانی نرم بیان می‌کردند که باعث می‌شد جنجال کمتری درست کند. به‌طور مثال در یکی از میزگردها که وزیر خارجه سابق کشورمان به عنوان کارشناس همراه یکی از نامزدها حضور داشت، غیر از فواد ایزدی، دو کارشناس دیگر هم سولاتی مطرح کردند که باگفتن غالب وزیر خارجه سابق چالش داشت اما آنچه به چشم آمد، دیالوگ‌های پینگ‌پنگی بین کاندیدای ریاست جمهوری و فواد ایزدی بود و سخنان پایانی وزیر خارجه سابق که در جایگاه کارشناس همراه آن نامزد، به استودیو آمده بود. همین میزگرد نشان می‌دهد که داغ شدن بحث‌ها و برآمدن یک سری حواشی و جنجال‌ها در پیرامون‌شان، عنصر ذاتی در مساله انتخابات است و حتی اگر با

هزار و یک ترند سعی شود که مناظراتی بی حاشیه برگزار شود، تمام حرف‌های نزده بالاخره از جایی دیگر بیرون خواهند ریخت و مطرح می‌شوند. به عبارتی اگر مناظره‌ها را طوری کنترل کنیم که یک سری حرف‌های اساسی در آنها زده نشود، این حرف‌ها سر از میزگردها در می‌آورند و اگر در نوبت بعد میزگردها هم کنترل شوند، این صحبت‌ها بالاخره جای دیگری برای طرح شدن‌شان خواهند یافت. وضعیت خطرناک جایی به وجود خواهد آمد که تمام راه‌های منطقی و قانونی برای طرح این نوع مباحث بسته شوند و تنها طریقه‌ای برای بیان بعضی نکات باقی بماند که منطقی و معقول نیست اما به نظر ناگزیر می‌رسد. با این وصف اگر دقت کنیم، به نظر می‌رسد حتی این نکته که بعضی از کارشناسان ثابت میزگردها سوگیری سیاسی داشته باشند، چندان اتفاق بدی نیست؛ مگر اینکه چنین افرادی فقط و فقط از یک جناح و طیف سیاسی خاص باشند که در این دوره چنین نبود یا اینکه به بعضی از کارشناسان اجازه طرح آزادانه مباحث داده شود و به بعضی دیگر داده نشود که چنین موردی هم در این نوبت از میزگردها دیده نشد.

از داغ شدن بحث‌ها نترسید

سوگیری سیاسی و جناحی کارشناسانی که از نامزدهای ریاست جمهوری سوال می‌پرسیدند، مساله‌ای بود که در این چند روز بارها به آن اشاره شد اما اینکه هر کارشناس چه نیتی از پرسیدن یک سوال بخصوص دارد، وقتی نیاز واقعی بخش مهمی از جامعه شنیدن پاسخی درخصوص آن سوال است و به علاوه نمایندگان جریان‌های دیگر هم از همان فرصت برخوردار هستند، چندان اهمیت نخواهد داشت یا لاقفل در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. وقتی حجت‌الله ایوبی و حسین انتظامی که هر دو روسای سازمان سینمایی در دولت قبل بودند و یکی به عنوان همراه نامزد ریاست جمهوری و دیگری به عنوان کارشناس خود میزگرد، دو طرف گفت‌وگو نشستند، اگر شهاب اسفندیاری در آن میانه نباشد تا درباره ورود پول‌های آلوده به سینما و دخالت امنیتی‌ها در این عرصه پرسند، آیا این مساله باید مکتوم بماند و هیچ‌گاه پرسیده نشود؟ اینکه اسفندیاری بنا به نیت جناحی و حزبی یا به هدف دفاع از صداوسیما در برابر شبکه نمایش خانگی

چنین سوالاتی را پرسیده باشد یا نه، تأثیر خاصی در فرآیند انتخابات نمی‌گذارد اما اینکه به‌اندیمه یک نامزد ریاست جمهوری می‌خواهد با مساله ورود پول‌های آلوده به سینما و شبکه نمایش خانگی چه کند، تأثیر مستقیمی در امر انتخابات خواهد داشت. یا مثلاً اگر حسین انتظامی از یک نامزد انتخاباتی درخصوص نوع برخورد با موضوع بی‌حجابی سوال نکند، آیا نیاز به طرح این بحث در برابر آن نامزد ریاست جمهوری که نماینده یک جریان فکری و اجتماعی در ایران هم هست، مرتفع می‌شود؟ به عبارت دقیق‌تر باید پرسید آیا انتظامی این مساله را در ذهن مخاطبان با سوالاتی که پرسید ایجاد کرده یا این سوال برای خیلی‌ها از قبل وجود داشت و او در این موقعیت، حالا یا هر انگیزه‌ای که ممکن است جناحی هم باشد یا نباشد، توانست میانجی طرح این پرسش شود؟ شاید این آدم‌ها سوگیری‌های سیاسی مشخصی داشته باشند و دلیل پرسش‌هایشان از پس‌زمینه‌های جهت‌دار ریشه بگیرد اما به هر حال لازم

است که این چیزها مطرح شوند، وگرنه اسم آنچه در حال روی دادن است را نمی‌توان انتخابات گذاشت. اگر این دست سولات حتی مغرضانه هم باشند که طبیعتاً گاهی بوده‌اند، باز نمی‌توان گفت طرح شدن‌شان جزء نیازمندی‌های فضای انتخابات نبوده و نباید از آنها هراسید. به‌طور منطقی اگر یک کارشناس پرسش غرض‌ورزانه‌ای از یک نامزد انتخاباتی یا همراهانش داشته باشد، مخاطبان متوجه این غرض‌ورزی خواهند شد و ناخودآگاه طرف کسی که به او هجمه‌ای نادرست صورت گرفته را می‌گیرند. در این میان آنچه اهمیت دارد طرح شدن بسیاری از مباحث است که همین حالا در ذهن بسیاری از مردم ایران وجود دارند و شاید در تعارفات معمول سیاسی مجالی برای طرح شدن‌شان نباشد. اتفاقاً جایی که جریان‌های سیاسی همدیگر را نقد می‌کنند و به چالش می‌کشند، بسیاری از مردم هم توانند دنبال پاسخ‌های خودشان بگردند. اینکه اخلاقیات رعایت شوند یکی از ملزومات برگزاری هر انتخاباتی است. رعایت انصاف و پرهیز از احضار حواشی در پس‌زمینه مباحث

هم چیزهای دیگری هستند که به ارتقای کیفیت انتخابات کمک می‌کنند. می‌توان همه اینها را مدنظر قرار داد اما از داغ شدن بحث‌ها نترسید. میزگردهای تخصصی این دوره از انتخابات که می‌توان آنها را پدیده تلویزیونی این دوره و حتی جایگزینی برای حرارتی که از مناظرات توقع می‌رفت دانست، می‌توانند با لحاظ شدن چند نکته از آنچه امروز هم می‌بینیم بسیار بهتر شوند و نه تنها در دوره‌های بعد هم مورد توجه قرار بگیرند، بلکه در مدتی که میان دو انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد از شیوه آن برای طرح بسیاری از مباحث استفاده کرد. موسع شدن دایره کارشناسان ثابت میزگردها، ارائه پرسش‌های سراسر و خلاصه‌ای که خارج از استودیو و توسط کارشناسان دیگر ارسال شده‌اند و مواردی از این دست می‌تواند غنای محتوایی برنامه را افزایش بدهد و به علاوه کوشش فراوان برای نقلیت این مباحثات به سمت بی‌عدالتی و بی‌صدا کردن یکی از طرفین بحث، همچنانکه تا به حال مدنظر قرار گرفته، در ادامه هم ضروری و لازم به نظر می‌رسد.